

مجله فرهنگی، ادبی "آنی"

Անի Շաբաթաթերթ ۱۴۰۳ ۱۴ خرداد
مجله ادبی آنی

http://aniletters.com ۴۱ و دومین شماره

در این شماره خواهید خواند:

کلیسای وانک اصفهان دروازه ای به سوی تاریخ
ارامنه در ایران.

مترجم زبان و ادبیات فرانسه (مهمکامه - اجتماعی فرد).
چرا آهنگسازان ایرانی کمتر به خلق آثار کُرال
پرداختند؟

اهمیت شکسپیر در دنیای ادبیات.



Ադիս Հարմանոյան
Վիկտոր Համբարձումյան

Literary magazines of the world

فهرست



مقدمه.....	۷-۹
بزرگان شعر.....	۱۲-۱۶
ادبیات ارمنی.....	۲۱
ادبیات جهان.....	۲۰
ادبیات ایران.....	۲۲
شعر شاعران.....	۲۸-۳۱
تبلیغات.....	۴-۶
حکایت.....	۴۲
موسیقی.....	۳۹-۴۰
بهداشت دهان و دندان.....	۴۴
مصاحبه.....	۴۸
سینما.....	۳۶

دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزومانیان
شماره: چهل و دوم

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/anisettes

اینستاگرام:

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

وب سایت:

www.ani_letters.com

www.anipoetry.ir



طراح وبسایت: داوود محمد کیا

@Esher. Official

تبلیغات

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات
تخصصی لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات گرانبها
،ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور آلات.
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر
تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

- پلاتو فیزیکیال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

محدوده کریمخان
تلفن تماس:

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری	افزایش انعطاف پذیری بدن
از بین بردن گرفتگی عضلات	تسکین فشارهای مفاصل و ستون فقرات
تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر	افزایش حس حضور در محیط
آزاد کردن اندورفین	افزایش تعادل

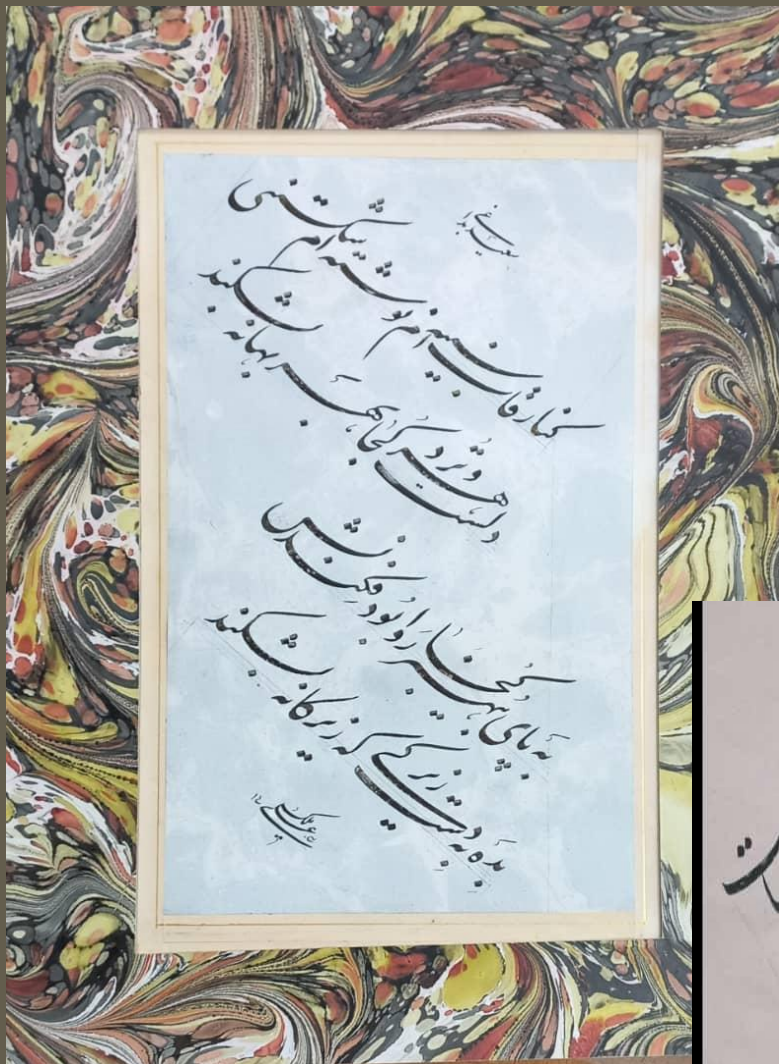
Let's relax with
MI RE LA
کریم خان

Instagram: mirela__art WhatsApp: ۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

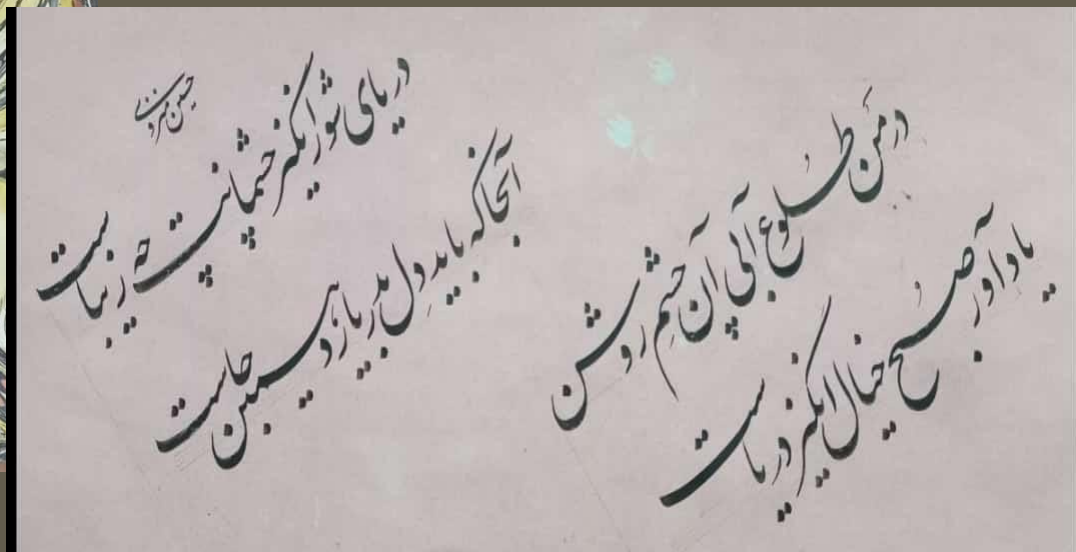


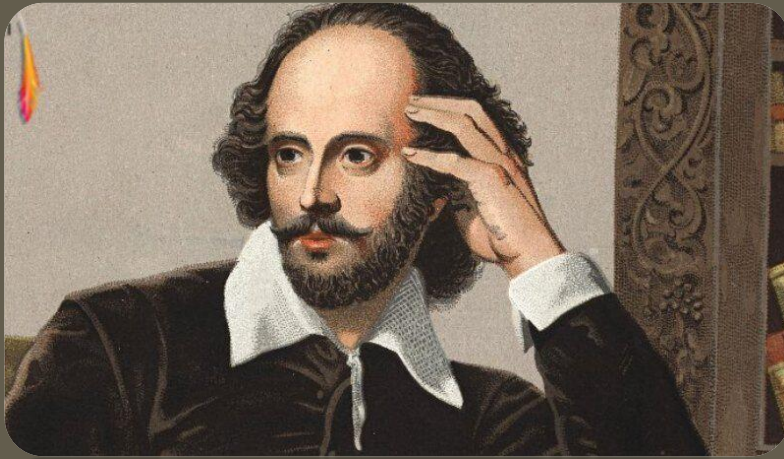
[@mirela_art](https://www.instagram.com/mirela_art)

مدرس انجمن خوشنویسان ایران
خطاط: علی ملک



[Ali.malek.art](https://www.instagram.com/Ali.malek.art)





اهمیت شکسپیر در دنیای ادبیات

شکسپیر؛ انسان، زمان و ناشناخته‌ها

بودن در آثار شکسپیر به معنای زیستن در مواجهه با ناشناخته‌هاست، اینکه انسان در مواجهه با ناشناخته‌ها تأمل و تعاملی شاعرانه داشته باشد و این تأمل هنرمندانه و خلاق به گونه‌ای است که زندگی فرد را از وادی پرخطر ناشناخته ایمن نگاه می‌دارد.

بعید است بتوان کسی را پیدا کرد که نام ویلیام شکسپیر تاکنون به گوشش نخورده باشد. او حتی در ایران، هزاران کیلومتر دورتر از زادگاه خود نیز محبوبیت دارد، ولی خارج از دایره علاقه‌مندان به تئاتر و ادبیات جهان، مردم عادی چقدر با اندیشه‌های او آشنایی دارند؟ آن جمله معروف، بودن یا نبودن، مسئله این است، که همگی بارها شنیده‌ایم چه مفهومی دارد؟

شکسپیر بیست و سوم آوریل سال ۱۶۱۶ میلادی، مصادف با چهارم اردیبهشت ۹۹۵ هجری شمسی، چشم از جهان فرو بست.

احتمالا مشهورترین جمله در تمام آثار شکسپیر، عبارت "بودن یا نبودن، مسئله این است" از نمایشنامه هملت اوست. چه رازی در این جمله نهفته که آن را این چنین به شهرت رسانده است؟ بودن چه اهمیتی دارد؟

ابتدا باید ببینیم اهمیت تک‌سخن‌گویی (soliloquy) در ادبیات نمایشی دوران شکسپیر چه بوده است. زیرا این عبارت مربوط به یکی از مشهورترین تک‌سخن‌گویی‌های اوست. سپس باید زمانه شکسپیر را درک کنیم و معانی و واژگان را در ظرف زمان دریابیم. بودن یا نبودن، در زمانی غیر از زمان شکسپیر، ممکن است مفهومی متفاوت با دوران او داشته باشد. در نهایت باید زمینه (context) و جملات قبل و بعد از عبارت "بودن یا نبودن" را نیز مدنظر قرار دهیم؛ همه این موارد مجموعاً روشن‌کننده مفهوم عبارت موردنظر ما هستند.

صدای ذهن را می‌شنوند

درمورد اول باید بگویم که تراژدی‌نویسان دوران باستان در پیش از میلاد مسیح، افرادی چون سوفوکل و یوریپیدس، به جای تکنیک نمایشی تک‌سخن‌گویی از سرودخوانان (گروه کر) به عنوان راهی برای انعکاس باور مردم در برقراری آرامش و توصیه بر پذیرش حد و مرز انسانی در برابر سرنوشت استفاده می‌کردند، گاهی حتی با وجود علاقه به قهرمانان تراژدی و باور به شرافت بی‌مثال آنها از اعمال خودمحورشان انتقاد می‌کردند. این گروه کر روی صحنه حاضر می‌شد و اشعاری را می‌خواند که نشان‌دهنده تسلط ذهنیات نامیرایان بر میرایان زمینی بود. گروه کر همچنین گاهی ترس ناشی از شکل‌گیری ذهنیات قهرمانان در نبرد با سرنوشت را نشان می‌داد.

اما دوران رنسانس که دوران تجلی انسان‌گرایی و انسان‌مداری بوده، شیوه نمایشی نیز به همین منوال تغییر کرد. در آن دوران قهرمان تراژدی به سمت تماشاچیان رو می‌کرد و در حالتی که گویی باقی بازیگران روی صحنه چیزی نمی‌شنوند و مکالمه‌ای خصوصی بین بازیگر و تماشاچی در جریان است، با صدای بلند افکار خود را بر زبان می‌آورد. تک‌سخن‌گویی در حقیقت به نوعی بلند فکر کردن بازیگران بود. از این طریق نمایشنامه‌نویسان عصر رنسانس تضاد ذهنی و شک و تردیدهای قهرمان تراژدی را به مخاطب می‌رساندند. اهمیت تک‌سخن‌گویی "بودن یا نبودن"، آشکارسازی واقعیتی پنهان از آشوب درونی هملت به عنوان نماد انسان پیش‌مدرن عصر رنسانس

است.

برای درک مفاهیم هنر نمایشی یا به طور کلی مفاهیم ادبی باید بافت اجتماعی و زمان و مکان را نیز در نظر بگیریم. زمان و مکان در شکل‌گیری معنی اهمیت ساختاری دارند. شکسپیر و به طور خاص هملت، نماینده بلافصل انسان رنسانسی و پیش‌مدرن‌اند. انسان‌هایی که خود را در مواجهه با موقعیت زمانی جدید پریشان و مضطرب می‌بینند. انسان‌هایی با باورهایی متفاوت که چه از لحاظ باور شخصی و چه از لحاظ ساختار اجتماعی همه و همه دچار دگرگونی شده‌اند.

مهمترین باوری که در دوران رنسانس (به معنی نوزایی) دگرگون شد، رویکرد انسان به جهان بود. پیش از رنسانس زمین به عنوان مرکز عالم هستی قلمداد می‌شد و اعتقاد بر این بود که جهان در بهترین وضعیت خود قرار دارد و نظم همه جا را فراگرفته است. اما پس از آن با ظهور متفکرانی امثال گالیله تمام آن ساختار ایدئولوژیک به یکباره واژگون شد و دیگر زمین مرکز عالم نبود. پس انسان هم دیگر سایه‌ای از آن مرکزیت و نظم نبود و دیگر نمی‌شد به قطعیت همه چیز را منظم و مرتب تصور کرد.

در قرون وسطی نقش علم و دانش، نقشی محوری نبود و انسان رشد فکری چندانی نداشت. با این اوصاف، انسانی که وارث سنت قرون وسطی بود به یکباره در سیل هجوم علوم و تفکرات جدید قرار گرفت، لاجرم دچار شک و تردید و سردرگمی شد. آشوب ذهنی هملت که در قالب تک‌سخن‌گویی نقل می‌شود، حاصل دوران انتقال انسان وارث نظام سنتی به عصر مدرن است، یعنی پیوند خوردن به دوران جدید، بحران روحی هملت را سبب شده است. درست است که خردگرایی و انسان‌محوری در مقابل تاریکی قرون وسطی بسیار مثبت به نظر می‌رسیدند، اما درست در همان زمان چیزی که قرار بود جایگزین آن تاریکی شود هنوز ناشناخته بود و در گام‌های نخستین قرار داشت. علم، کشف سرزمین‌های جدید و انسان‌گرایی همگی ناشناخته و تجربه نشده بودند. ادیبانی مانند شکسپیر و کریستوفر مارلو که این دوران انتقال به ناشناخته‌ها را تجربه می‌کردند، تنش روحی و گاهی سر در گمی بیمار گونه ناشی از مواجهه با ناشناخته‌ها را به آثار خود انتقال دادند.

ادامه دارد...

Հին գուսանական արվեստը գոյատևեց մինչև XV-XVI դարերը: Այդ ժամանակաշրջանի հայտնի պոետ-գուսաններն էին Գրիգոր Խլաթեցին և Նահապետ Քուչակը՝ հայրենների հեղինակները:

Շարական

Շարականները հոգևոր երգերն են: Պահպանվել են V - XV դարերի մեծ քանակությամբ շարականներ: Հին հայկական հոգևոր երաժշտությունը կազմված է 4 հիմնական ժանրերից՝ կցուրդ, կացուրդ, կանոն և տաղ Շարականները հին հայկական մշակույթի՝ մասնավորապես պոեզիայի, երաժշտության և պրոֆեսիոնալ երգարվեստի սինթեզն է: Արդեն VII դարում Բարսեղ Ճոնը կաթողիկոս Ներսեսի հանձնարարությամբ կազմեց «Շարակնոց» ժողովածուն: Համաձայն Կիրակոս Գանձակեցու. «Այդ ժամանակ Հայաստանում այնքան շատ էին կանոնավոր եկեղեցական երգերը, որ մի թեմի երգիչները չգիտեին մյուս թեմի երգերը»: Վարդան Արևելցին գրում է.



Հարվածային գործիք նվագող
երաժիշտ, 1286 թ մանրանկար

Կեցցե՛ մայիսի 28-ը՝ Հայաստանի Առաջին Հանրապետության հիմնադրման օրը -

1918 թվականի մայիսի 28-ին Թիֆլիսում Անդրկովկասյան ժողովրդավարական Դաշնային Հանրապետության փլուզումից հետո Հայկական ազգային խորհրդի կողմից հռչակվեց Հայկական կամ Հայաստանի Հանրապետությունը: Հայ ժողովրդի կողմից անկախ պետականությունը վերականգնելու դարավոր երազանքն ի կատար ածվեց հենց մայիսի 28-ին՝ դառնալով հայոց պետականության վերածննդի խորհրդանիշը: Առաջին Հանրապետության պատմական նշանակությունը անգնահատելի է:



بزرگان شعر

اوحدی مراغه‌ای

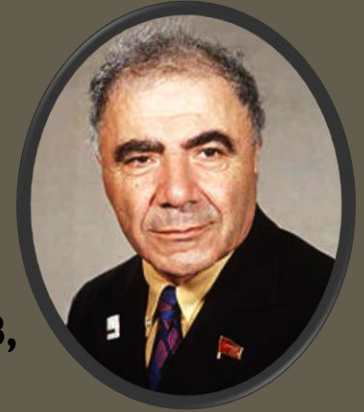


رکن‌الدین اوحدی اصفهانی مراغه‌ای (۶۷۳-۱۵ رمضان ۷۳۸ قمری) عارف و شاعر پارسی‌گوی ایران در قرن هشتم هجری و اهل مراغه است.

زندگی‌نامه

اوحدالدین بن حسین اصفهانی در حدود ۶۷۳ هـ ق مراغه به دنیا آمد. چون تولد و وفات اوحدی در مراغه روی داد، به مراغه‌ای نیز شهرت یافت. در آغاز تخلص او صافی بود، سپس به سبب ارادتی که به پیر و عارف مشهور، ابو حامد اوحدالدین کرمانی پیدا کرد، تخلص اوحدی را برگزید. اوحدی در دوران پادشاهی ارغون خان مغول در شاعری ظهور کرد. اوحدی پس از انتخاب غیاث‌الدین محمد به وزارت ابوسعید بهادر مثنوی جام جم خود را به نام وی به نظم درآورد. او همچنین مدتی در اصفهان به سر برد و بار دیگر به مراغه بازگشت. او در سرودن انواع شعر تبحر داشت. آرامگاه او در مراغه است. هم‌اکنون یک موزه دائمی در مقبره اوحدی در مراغه دایر می‌باشد.

Վիկտոր Համբարձումյան

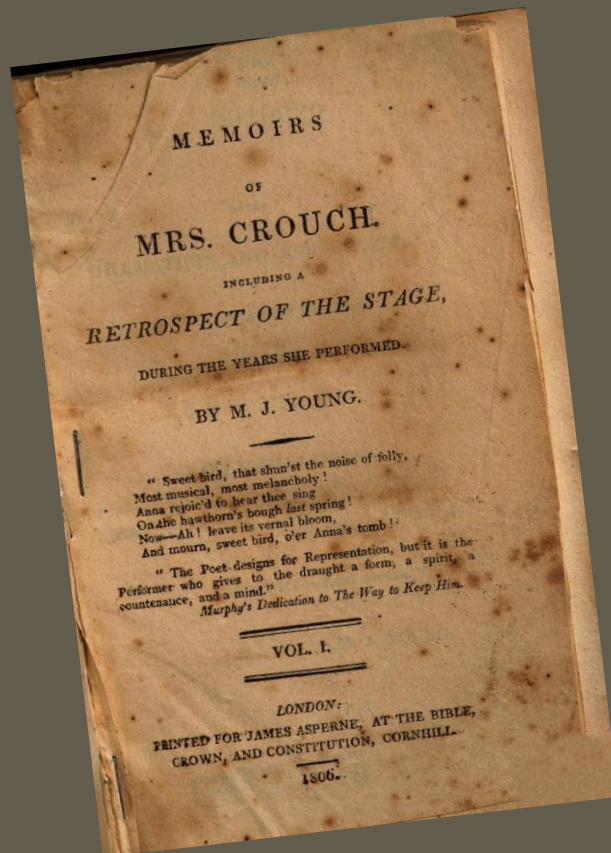


Վիկտոր Համազասպի Համբարձումյան (սեպտեմբերի 5 (18), 1908, Թիֆլիս, Թիֆլիսի նահանգ, Ռուսական կայսրություն - օգոստոսի 12, 1996.

Բյուրական, Արագածոտնի մարզ, Հայաստան հայ աստղագետ և աստղաֆիզիկոս, տեսական աստղաֆիզիկայի հիմնադիրներից մեկը: Համբարձումյանի աշխատությունները վերաբերում են աստղերի և միգամածությունների ֆիզիկայի, արտագալակտիկական աստղագիտության, աստղային համակարգերի դինամիկայի, աստղերի և գալակտիկաների տիեզերածնության և մաթեմատիկական ֆիզիկայի, միջուկային ֆիզիկայի բնագավառներին: Սկզբունքորեն նոր տիեզերածնական հայեցակարգի հեղինակ է: Ստալինյան մրցանակի կրկնակի (1946, 1950) դափնեկիր, Սոցիալիստական աշխատանքի կրկնակի հերոս (1968, 1978), Հայաստանի ազգային հերոս (1994), Ռուսաստանի Դաշնության պետական մրցանակի դափնեկիր, արժանացել է բազմաթիվ ակադեմիական պարգևների: Բյուրականի աստղադիտարանի հիմնադիրն է.

Mary Julia Young

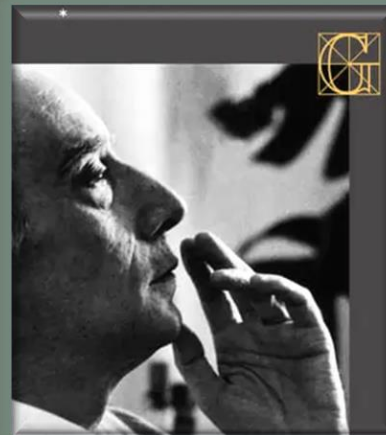
Mary Julia Young (fl. 1775–1810) was a prolific novelist, poet, translator, and biographer, active in the Romantic period, who published the bulk of her works with market-driven publishers James Fletcher Hughes and William Lane of the Minerva Press. She is of particular interest as an example of a professional woman writer in "a market of mass novel production."



Title page of Mary Julia Young's *Memoirs of Mrs. Crouch. Including a Retrospect of the Stage, during the Years she Performed. By M. J. Young. Vol. I. London: James Asperne, 1806.* (HathiTrust)

Nel magma, Mario Luzi

Mario Luzi nasce a Firenze nel 1914. Si laurea in letteratura francese e inizia a insegnare in varie scuole, medie e superiori, e poi presso l'Università di Firenze. Esordisce con la raccolta di poesie *La barca*, nel 1935, nel pieno degli anni dell'ermetismo, che condiziona all'inizio molto il suo stile di scrittura. Si sposta però poi verso espressioni più aperte, colloquiali e discorsive, in un raro equilibrio fra recitativo e canto. È di molto tempo più tardi una delle sue opere più memorabili, *Nel magma*, del 1963, da cui emerge tutto il suo tratto malinconico e drammatico: i versi si esprimono in una forma più ampia e immediata, assumendo le forme di un pensiero poetante su istanze essenziali della natura e sugli interrogativi dell'umano.



Гумилёв, Николай Степанович

Никола́й Степа́нович Гумилёв (3 апреля 1886, Кронштадт — 26 августа 1921, Петроград) — русский поэт Серебряного века, создатель школы акмеизма, прозаик, драматург, переводчик и литературный критик, путешественник, африканист. Первый муж Анны Ахматовой, отец Льва Гумилёва. Совершил две экспедиции по восточной и северо-восточной Африке в 1909 и 1913 годах. Был расстрелян 26 августа 1921 года по обвинению в участии в антисоветском заговоре «Петроградской боевой организации Таганцева». Однако активное участие в заговоре подтверждено не было и 30 сентября 1991 года посмертно реабилитирован решением Верховного суда СССР. Место расстрела и захоронения до сих пор





ՄԵՆՆԵՆ

Մայիսի 28-ը մեր պատմության ամենամեծ տոնն է: Հեռու չէ այն օրը, երբ մայիսի 28-ը կտոնվի իբրև համազգային անհերքելի ամենամեծ տոն, և ամեն հայ երկյուղածորեն պետք է խոնարհվի այդ տոնի առջև»:

Հովհաննես Քաջազնունի

Մայիսի 28-ը մեծ հպարտություն է արթնացնում յուրաքանչյուրիս սրտում: 102 տարի առաջ այս օրը Հայոց ազգային խորհուրդը հայտարարեց անկախ Հայաստանի Հանրապետության ստեղծման մասին:

Առաջին հանրապետությունը հիմնադրվեց հայ ժողովրդի համար ծանր ժամանակահատվածում՝ Մեծ եղեռնից հետո և Սարդարապատի, Բաշ-Ապարանի և Ղարաքիլիսայի հերոսամարտերի համայնապատկերին, երբ, ըստ էության, որոշվում էր հայ ազգի լինել-չլինելու հարցը, երբ բնաջնջման ծրագրից խուսափած բազմահազար գաղթականները, սովը և ռուսական կայսրության նվաճողական քաղաքականությունը հնարավորություն չէին ընձեռելու պետության ղեկավարներին ստեղծելու կայուն պետություն: Ու չնայած իր կարճատև գոյությանը՝ այն դարձավ մեր ազգային վերածննդի և նոր պետականության կայացման հիմնասյունը:

ՀՀ առաջին վարչապետ

1918 թ.-ի մայիսի 26-ին Սարգարապատում հաղթանակ տանելով թուրքական բանակի նկատմամբ՝ հայկական զորքերը կարողացան կասեցնել թուրքերի ներխուժումն Անդրկովկաս և փրկել Հայաստանը լիակատար ոչնչացումից: Մայիսի 29-ին ՀՅԴ արևմտյան և արևելյան բյուրոյի նիստը Հովհաննես Զաքաղնուհուն նշանակեց անկախ Հայաստանի առաջին վարչապետ: Հայաստանի մայրաքաղաքը դարձավ Երևանը: ՀՀ տարածքը հռչակման պահին 12 հզ. քառ. կմ էր, բնակչությունը՝ 700 հազար:

Այս վերելքային կարճ ժամանակահատվածում Հայաստանի առաջին հանրապետությունը լուրջ ձեռքբերումներ ունեցավ՝ ստեղծվեց հայկական դրամը, ընդունվեցին օրհներգը և գինանշանը, բացվեց առաջին համալսարանը Երևանում և տեղի ունեցան խորհրդարանական ընտրություններ:



Հայաստանի Հանրապետությունը գոյություն ունեցավ ընդամենը երկու տարի՝ մինչև 1920 թվականի դեկտեմբերի 2-ը, երբ Երևան մտան 11-րդ Կարմիր բանակի զորամասերը, և հանրապետությունը խորհրդայնացվեց:

Պետականության վերականգնումն ահռելի մեծ դեր ունեցավ հայ ժողովրդի կյանքում: Եվ հենց այս առաջին հանրապետության ստեղծումն էր, որ հայ ազգին մղեց ստեղծելու և՛ երկրորդ, և՛ երրորդ հանրապետությունները:

Առաջին հանրապետության օրը պաշտոնապես նշվում է 1992 թվականից:

Սարգարապատի հուշահամալիրը բացվել է 1968 թվականի մայիսին հայ-թուրքական ճակատամարտում հայ ժողովրդի հաղթանակի 50-ամյակի կապակցությամբ:

Հեղինակներն են ճարտարապետ Ռաֆայել Իսրայելյանը, քանդակագործներ Արշամ Շահինյանը, Սամվել Մանասյանը և Արա Հարությունյանը: 1968 թվականին Պարույր Սևակը գրեց Սարգարապատի հերոսամարտին նվիրված բանաստեղծությունը, որի հիման վրա ստեղծվել է նաև երգ:



ادبیات جهان

آتنه خشم او را به جنون مبدل می سازد. در آغاز نمایش، آتنه برای اودیسئوس حکایت میکند که خودبینی و گستاخی، آژاکس را به جنون کشانده است. آژاکس سلامت عقل خود را باز می یابد و با شمشیرش خود را می کشد.

آگاممنون و منلائوس کینه جویانه از تدفین او امتناع می ورزند، اما سرانجام اودیسئوس کبر و نخوت را از ذهن آنها می زداید، و آژاکس به خاک سپرده میشود. این نمایشنامه چنین ویژگیهای نامتعارفی نسبت به قبل دارد: نشان دادن عملی خشن در صحنه، حذف گروه همسرایان، و تغییر آرایش صحنه. دو نقطه بحرانی نمایش با استفاده از شباهت گستاخی آژاکس با آگاممنون و منلائوس هنرمندانه به یکدیگر پیوند می یابد. آژاکس قهرمان واقعی تراژدی است—گناه می ورزد، و نیز مرتکب طغیانی تراژیک میشود که در سقوطش موثر می افتند.

"آنتیگونه" (حدود ۴۴۱ ق.م). زمینه نمایشنامه آنتیگونه خطای ناشی از غرور لجوجانه (رجوع شود به آژاکس) و رو در رو قرار دادن قانون دنیوی با احکام الهی است. کرئون، شاه خودسر لجوجانه به آنتیگونه که درست مثل خود او لجوج است اجازه نمی دهد که جسد برادرش پولونیکس را به خاک سپارد. آنتیگونه از اجرای فرمان سرباز می زند، و کرئون، با وجود التماس پسرش همون و تیرزیاس غیبگو. گروه همسرایان فرمان قتل آنتیگونه را صادر میکند. آنتیگونه، همون، و اوریدیس (همسر کرئون) اقدام به خودکشی می کنند و کرئون سر تسلیم فرود می آورد. شخصیت پردازی در این نمایش استادانه است؛ آنتیگونه چهره ای کاملاً بشری دارد. ایسمن به عنوان شخصیت مقابل آنتیگونه تصویر میشود و همون در مقابل کرئون. لحن این نمایشنامه به گونه ای نامتعارف غم انگیز است. حالت تعلیق و انتظار تأثیری استثنائی دارد: آیا کرئون پیش از آن که کار از کار بگذرد نرم خواهد شد؟

ادبیات ارمنی

در این دوره حکومت سلسله ی آرشاکونی ارمنستان در ژرف ترین بحران حیات خود به سر می برد و این حکومت دیر سال ارمنی مراحل پایانی عمر خود را طی می کرد. اگرچه سلسله آرشاکونی با توجه به رویدادهای نوین زمانه ، می کوشید تا با برخی رفرم ها عمر خود را هر چه طولانی تر کند، اما هیچ یک از این تشبثات قادر نبود آن را از نابودی حتمی رهایی بخشد. تضادها هر چه عمیق تر می شد و حکومت مستقل ارمنستان با امکان دادن به مداخلات ویرانگر روم و ایران ، سرانجام در اواخر قرن چهارم و دهه های نخستین قرن پنجم به انهدام خود نزدیک شد.

زیرا با رشد مناسبات فئودالی و پیدایش فئودال های بزرگ که در تیول خود در واقع هر یک شاهی بودند و از همان اختیارات مطلقه برخوردار بودند و همان سازمان های اداری و نظامی و قضائی را در قلمرو خود برپا داشته بودند، هرج و مرج داخلی رو به افزایش نهاد. در ادوار هلنیستی بخش بزرگی از زمین های زراعتی در اختیار دربار بود و برای اداره این زمین ها ماموران درباری با مناصب درجه بندی شده گماشته می شدند. بعد ها این ماموران که ناخارار نامیده میشدند مقام و منصب خود را موروثی کردند که از پدر به پسر به ارث می رسید. در طول سال ها رفته رفته حقوق ناخاراری در اداره زمین های درباری به حق مالکیت فئودالی تبدیل شد و بدینگونه فئودال نشین های بزرگی در سراسر کشور ایجاد گردید. در قرن چهارم میلادی ، به حق حاکمیت فئودالی رسیدن ماموران درباری که " ناخارار " خوانده می شدند به اوج خود رسید.

ادبیات ایران

سبک آذربایجانی

سبک آذربایجانی (ارانی) سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است. رییس این حوزه ادبی ابوالعلا گنجوی بود. شاعران معروف آن عبارتند از مجیرالدین بیلقانی (۵۷۷)، فلکی شروانی (۵۸۷)، خاقانی (۵۹۵) و نظامی (۵۹۹). مختصات شعری آنان از نظر بنیان زبان خراسانی است اما از نظر فکر و مخصوصاً از نظر مختصات ادبی تحول شگرفی را نشان می دهد. به طوری که حتی سبک شعر بینابین قرن ششم در مقایسه با شعر آنان همان سبک قدیم خراسانی جلوه میکند. این است که خاقانی سبک مسعود سعد سلمان را که از پیشروان تحول شعری در قرن ششم است همان سبک عنصری میدانند:

مسعود سعد نه سوی تو شاعری است فحل
کاندر سخنش گنج روان یافت هر که جست

بر طرز عنصری رود و خصم عنصری است
کاندر قصیده هاش زند طعنه های چست
به طور کلی از نظر تحول در فکر و مختصات ادبی شعر، سبک آذربایجانی در اوج روند تکامل شعری قرن ششم قرار دارد.

کلیسای وانک اصفهان دروازه ای به سوی تاریخ ارمنه در ایران

کلیسای وانک که با نام کلیسای نجات‌دهنده مقدس هم شناخته می‌شود، یکی از کلیساهای تاریخی در منطقه جلفای اصفهان است. در دوران شاه‌عباس دوم، سپاهیان ارمنه را از شهرها و روستاهای اطراف با خود همراه کرده و پس از ویران کردن آن شهرها و روستاها، به اصفهان رسیدند. پس از آن که ساکنین ارمنه شهرها و روستاهای ویران شده تصمیم گرفتند تا در اصفهان سکونت داشته باشند، اولین کلیسای خود را در این شهر بنا کردند.

این کلیسا یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی بوده که ارمنه با کمک‌های مردمی و به‌صورت کاملاً شخصی، برای فراهم کردن یک محیط زندگی مناسب برای مسیحیان ساختند. نام این کلیسا در ابتدا سورپ آمانا پرکیچ وانک بود. این نام را بر اساس نام یکی از کلیساهای واقع در جوغا گذاشته بودند. در ابتدا کلیسایی که با نام کلیسای وانک ساخته بودند، یک مکان بسیار کوچک بود، اما پس از مدتی آن کلیسای کوچک را تخریب کرده و کلیسای بزرگ‌تری ساختند که ساخت آن حدود ۹ سال زمان برد.



کلیسای وانک یکی از چندین کلیسای زیبا و تاریخی در اصفهان است. این کلیسا در یکی از محله‌های مخصوص ارمنی‌های اصفهان به نام جلفا ساخته شده است و یکی از مهم‌ترین کلیساهای اصفهان محسوب می‌شود. این کلیسا هم از نظر تاریخی، هم از نظر گردشگری و هم از نظر قداست در بین مردم، اهمیت بسیاری دارد.

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره کردیم، این کلیسا یکی از بناهایی بود که آرامنه برای راحتی و زندگی بهتر خود در اصفهان ساختند. به همین دلیل از زمان ساخت این کلیسا تا به همین امروز، وانک محل انجام بسیاری از فعالیت‌های دینی مسیحیان ساکن در اصفهان و شهرستان‌های اطراف بوده است. علاوه بر دعا و نیایش و مراسم‌های مذهبی که در این کلیسا انجام می‌شد، آرامنه می‌توانستند کارهای مربوط به ازدواج، تولد و وفات خود را هم در دفاتر این کلیسا انجام بدهند.

در طول سالیان سال، بازسازی‌های بسیاری در این کلیسا انجام شده است و در طراحی داخلی و خارجی آن تغییرات بسیاری می‌توان مشاهده کرد. اما معماری کلی ساختمان شبیه به همان کلیسای اصلی مانده و نمی‌توان تغییری اساسی در آن مشاهده کرد. به دلیل اهمیت تاریخی بسیاری که کلیسای وانک برای آرامنه و کل ایران دارد، یونسکو این کلیسا را در لیست میراث جهانی خود به ثبت رسانده است.

معماری و طراحی کلیسای وانک اصفهان

در یک نگاه کلی به معماری و طراحی کلیسای وانک در اصفهان، افراد می‌توانند آثاری از هر دو معماری ارمنی و ایرانی را مشاهده کنند. از جمله عناصر معماری ایرانی که در این کلیسا قابل مشاهده است می‌توان به کاشی‌کاری‌هایی با رنگ لاجوردی و خاکستری اشاره کرد. اما کتیبه‌های زیبا، صلیب‌های سنگی و بسیاری از المان‌های دیگری که در طراحی کلی این کلیسا به کار رفته‌اند، نمادی از معماری آرامنه و فرهنگ مسیحیت هستند.

برای ساخت کلیسای وانک اصفهان، از مصالح ساختمانی مانند خشت خام استفاده شده است. اما در تزئین و طراحی معماری داخلی و خارجی آن، از کاشی‌های زیبا و لاجوردی‌رنگ استفاده کرده‌اند. در بخش‌هایی از این کلیسا می‌توان کاشی‌های را مشاهده کرد که بامهارت به شکل بال فرشتگان رنگ‌آمیزی شده‌اند. از جمله سایر هنرهایی که در معماری و ساخت این بنا مشاهده می‌شود، می‌توان به گچ‌کاری و نقاشی رنگ‌روغن اشاره کرد.



از فاصله دور که به کلیسای وانک نگاه کنید، اولین سازه‌ای که به چشم می‌خورد، برج ساعت است. این برج به زیبایی طراحی شده و به شکوه کلیسای وانک اضافه کرده است. پس از رسیدن به کلیسا، درب ورودی اصلی این ساختمان که یک درب چوبی بزرگ است، به استقبال بازدیدکنندگان می‌رود. افراد پس از عبور از این درب، می‌توانند به داخل کلیسا رفته و از تزئینات زیبای آن مانند کتیبه‌ها، صلیب‌ها و کاشی‌کاری‌های بسیار هنرمندانه دیدن کنند.

اولین چاپخانه ایران و همچنین خاورمیانه در این مکان و به دستور خلیفه خاچاطور تأسیس شد. در این چاپخانه یک دستگاه چاپ ابتدایی وجود داشت و در سال ۱۶۴۱ یک کتاب تحت عنوان شرح حال پدران روحانی به چاپ رسید. دو بخش مهم دیگری که در کلیسای وانک مشاهده می‌شوند هم کتابخانه و موزه این کلیسا هستند. موزه کلیسای وانک در سال ۱۸۷۱ ساخته شد و در آن اشیاء گران‌بها و کمیابی مانند برخی از نسخه‌های نایاب انجیل، کوچک‌ترین انجیل دنیا که به هفت زبان نوشته شده است و اولین کتاب چاپ شده در چاپخانه کلیسای وانک نگهداری می‌شوند.

در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، یک بخش دیگر هم به کلیسای جلفا اضافه شد که با نام مرکز امور اداری کلیسای وانک شناخته می‌شد. در این ساختمان که در جنوبی‌ترین بخش این مجموعه ساخته شده است، به اموری از جمله ازدواج، تولد و وفات شهروندان ارمنی رسیدگی می‌شود. امروزه هم این ساختمان تحت همین عنوان باز بوده و به امور مخصوص به شهروندان ارمنی در آن رسیدگی می‌شود. در نزدیکی برج ناقوس بنایی به یادبود از کشته‌شدگان آرامنه در جنگ با عثمانی‌ها ساخته شده و هر سال در سالگرد این قتل‌عام، در این برج مراسم یادبود برگزار می‌شود.

از جمله سایر بخش‌هایی که در کلیسای وانک مشاهده می‌شود، می‌توان به مغازه، انبار، محل اقامت اسقف، دالان‌های پلکان ورودی، برج ناقوس، قبر سرباز و پیشوای ارمنی و سایر بخش‌های دیگر اشاره کرد. اما مهم‌ترین بخش‌ها که بیشترین تعداد بازدیدکننده را به خود جذب می‌کنند، بخش مربوط به صلیب‌هایی است که از ویرانه‌های کلیسای قبلی به این مکان آورده شده، موزه، چاپخانه و کتابخانه کلیسای وانک هستند.



Էդուարդ Չախվերդյան
«Գնում եմ Էտյուդի»

Գնում եմ Էտյուդի
Բայց նախքան նկարելը
Խմում եմ
Խմում եմ բնութայունը
Խմում եմ ծիրանի օղին
Ու հետո
Երկինքը քսում եմ կտավիս
Ու հետո
Ճառ ու ծաղիկը քսում եմ կտավիս
Ու հետո
Պառկում եմ հողին
Ու դառնում եմ
Բնանկար

Անի Յավրեսց «Ես
առանց ինձ մրսում եմ»

Ու՞ր է հիմա նա,
ով պիտի մեռներ
ապրելու ժամին:
Անհետանար՝ գնալու պահին:
Քեզ տեսնելու պահին՝
ինձ կսիրեր:
Ապրելուս պահին՝ կմեռներ ինձ հետ:
Ու երբ այդժամ ինձ կարոտեր՝
անհանգիստ հոգուս
ծովը կլիներ:
Ալիքը կգար
Կգնար
կգար
կգնար
Զե՛ր ավարտվի:

Сергей Обрадович
Бег на лыжах

Клавдии О.

В ногах за пригородом льстится
Поземок – легендарный змей.
Дороги настезь, и синица –
Как колокольчик у дверей.

И в мир иной мы входим оба.
Любимая, не отставай!
Навстречу солнце над сугробом –
Как в новоселье каравай.

И, молодая, встрече нашей
Ель кланяется на бегу.
Жизнь полной чашей, полной чашей
У жаждущих и жарких губ.

– Да здравствует...
И пить мы будем,
И в битве смертной победим...
Дремучей кровью крепнут груди
Под свитером твоим тугим.

Ты мир готова, как ребенка,
Привлечь на грудь свою,
И он,
Насытись, засмеется звонко
В порозовевший небосклон...

Дороги настезь... Дорогая,
Ты о закате не жалея,
Звенит синица, затихая,
Как колокольчик у дверей.

A voi

Mari Nolani

BUCCHIANICO (CHIETI)

La caparbia intuizione
Di un domani diverso
Ti tiene legata alla vita
Come una fune consumata
Dagli anni, dal maltempo
Del tuo dicembre.
Le ossa adulte sono pesanti
Se trascinate
Da una bambina.
Ma la primavera, amore
Non ti ricorda qualcosa
Di chiaro e luminoso?
Come se quel domani
Fosse oggi
E come se oggi
Fosse di nuovo ieri
Quando sorridevi del presente
E non di una speranza
O di un ricordo,
Ma solo del piacere
Di esserci.

Di esserci,
Ma solo del piacere
O di un ricordo,
E non di una speranza

Tramonto annunciato

Josyel

ALTOPIANO DELLA VIGOLANA (TRENTO)

Ti vedo, attraverso ali di farfalla.
Tinte di speranza
Spennellate di cielo
su un tramonto che non vuol svanire,
...ma che non sa come fare.

Con le mani, ossidate dal tempo, cancelli
invisibili tracce
di questa vita a riquadri.

Mi dicesti, una volta:
«Non mi guardo negli occhi,
davanti allo specchio.
Avrei paura di caderci dentro».

Avrei paura di caderci dentro».

حنی محزون

۱۷۴۷

ایش بر راه برود دل کن سگینی
 کاش جان تو کن دارم و کن میدام
 توام در بادیه بی محبت چون کن
 هر شب در حسرت ماهی کن کوی کن
 آمد در چشمه شهاب غم از دل تویند
 کن مگر طبع خود در تو تمام و درن
 باغبان خارند هست بگر میسند
 در محزون مگر از تویت فرادوسه
 در چنین خانه کن و در کن در بارخان
 که بر این کبر طوفان زده بر خواهی زد
 بریاره اگر توین محبت باشد
 چه حیای و چه دنیا بر بستن
 در بر سو که پیام آور فروردینی
 که در از دوری خود نشیند چه می بینی
 سر در حسرت نهادی بر سر بالین
 توام در دین شهاب برادر بروی
 ایش در مدهم در طبع کن غلغلی
 که توام از آنه بخت غبار آگینی
 بود در مهر که سر او در همان گلچینی
 کزنده شکوه زانچون لب شری
 که تو نصف کز مسخی قهری
 در بر سو که پیام آور فروردینی

۱۳۱۹

دلا یاران سه قسمند گر بدانی
زبانی اند و نانی اند و جانی

به نانی نان بده از در برانش
محبت کن به یاران زبانی

ولیکن یار جانی را نگه دار
به پایش جان بده تا میتوانی ...

« مولانا »

« مولانا »

معرفی

با عرض سلام و خوش آمد گویی خدمت شما استاد بزرگوار به مجله ادبی آنی و افتخار همکاری با خانم مهکامه اجتماعی فرد.

من "مهکامه اجتماعی فرد" هستم. لیسانس زبان فرانسه دارم. تدریس خصوصی می کنم. دروس ابتدایی تا نهم را با دانش آموزان کار می کنم. ترجمه غیررسمی هم انجام می دهم. تدریس زبان فرانسه برای دانش آموزان مدرسه بین الملل تهران داشتم، حتی مصاحبه فرانسه برای افرادی که قصد مهاجرت به کبک کانادا را داشتند. البته پیش از کرونا **T.T.C** انگلیسی هم گرفتم تا بتوانم غیر از کلاس های خصوصی کودک و نوجوان، کلاس همگانی هم در آموزشگاه ها داشته باشم ولی کرونا خیلی معادلاتم را بر هم زد.

در طول این سال ها از سال ۷۹ تاکنون با آرامنه ارتباط خوبی داشتم. از آنها بسیار آموختم. همین الان چند دانش آموز از مدرسه نائیری و آراارات دارم.

در ادامه ترجمه ای در مورد نسل کشی آرامنه به قلم استاد مهکامه اجتماعی فرد

سپاس بیکران از حضور سبز شما در مجله ادبی آنی

Le génocide arménien (arménien : Բրմենիյ Դեճեցիոտյոյն ; turc : Ermeni Soykırımı), qui est parfois connu sous d'autres noms tels que l'Holocauste arménien (nettoyage ethnique), le meurtre d'Arméniens, et aussi par les Arméniens eux-mêmes comme le Grand Crime (arménien : Մեծ Երբեր), La destruction intentionnelle et planifiée (génocide) de la population arménienne vivant dans les territoires sous le contrôle de l'Empire ottoman pendant la Première Guerre mondiale (1915-1917 après JC) par les hommes d'État ottomans et les dirigeants de la Jeunesse. Le soulèvement des Turcs s'appelle des opérations sous forme de massacres et de déportations forcées. Elle a été menée dans des conditions qui ont causé la mort des exilés. Aujourd'hui, le nombre total de victimes du génocide arménien est estimé entre un million et un million et demi de personnes

Au cours de cette période, l'idée a été créée chez un certain nombre de dirigeants turcs que la création d'un pays nouveau et moderne (la Turquie) pour les Turcs dépend de la création d'un pays avec une seule race (c'est-à-dire les Turcs) et cela se fait par purifier la race, c'est-à-dire nettoyer la région de l'Anatolie, composée de minorités religieuses et ethniques (notamment les Grecs, les Assyriens et les Arméniens). Par conséquent, d'autres groupes ethniques de la région, notamment les Assyriens, les Grecs et les Kurdes, ont été attaqués de la même manière par les Turcs ottomans ; De telle sorte que de nombreux chercheurs ont considéré ces événements comme faisant partie de la même politique d'anéantissement ethnique des hommes d'État turcs. Aujourd'hui, cet événement est largement reconnu comme l'un des premiers génocides du XXe(20ème)(vingtième) siècle
era

En plus de l'arrestation et de l'exécution d'Arméniens, un grand nombre d'hommes, de femmes et d'enfants arméniens ont été exilés de leurs maisons et villages, sans aucun accès à l'eau et à la nourriture. Ils ont été forcés de marcher sur de longues routes désertes avec l'intention de Des cas de viol et de harcèlement sexuel commis par des forces hostiles lors de la déportation ont été signalés à plusieurs reprises.

with your camera

De nombreuses recherches ont été faites et sont en cours sur le génocide arménien. La quasi-majorité d'entre elles considère que la réalité d'un tel génocide est réelle et indéniable. Aujourd'hui, l'Arménie veut reconnaître ce génocide, mais le gouvernement turc, bien qu'il ne nie pas l'existence d'un tel événement, refuse d'accepter cet événement comme un « génocide » et n'accepte pas l'existence d'une politique systématique de destruction des Arméniens. Türkiye estime qu'au cours de ces années-là, outre les Arméniens, les Turcs sans défense ont également été victimes des troubles. La déportation des Arméniens s'accompagnait souvent de pillages, de viols et de meurtres. De nombreux déportés ont été tués ou sont morts de faim et de sans-abri alors qu'ils se dirigeaient vers des camps près de la province de Deir Ezzor. Plusieurs milliers de personnes sont mortes de faim et de maladie dans les camps de prisonniers de guerre qui y avaient été installés.

with your camera

Un consensus théorique sur les causes et les objectifs de l'expulsion des Arméniens pourrait ne jamais être atteint. Les responsables turcs n'ont pas autorisé le Groupe indépendant de recherche historique à inspecter les archives de l'histoire de la guerre, et l'objectif du gouvernement ottoman d'expulser les Arméniens reste en suspens. Le souvenir de cet événement reste encore aujourd'hui un aspect très important de l'identité nationale arménienne, et de nombreux Arméniens affirment qu'aucun compromis avec la République de Turquie n'est possible tant que le génocide n'est pas reconnu.

L'Encyclopédie Iranienne a écrit à ce sujet : « Le plus grand événement tragique de l'histoire des Arméniens s'est produit avec le début de la Première Guerre mondiale. En 1915, le gouvernement des Jeunes-Turcs décida de transférer la totalité de la population arménienne, soit 1 750 000 personnes, vers la Syrie et le Moyen-Rivière. Ils considéraient les Arméniens de l'Empire ottoman, malgré l'engagement de beaucoup d'entre eux, comme des éléments étrangers loyaux et dangereux et des partenaires dans la conspiration de l'ennemi chrétien tsariste visant à perturber les activités ottomanes à l'Est. Dans ce qui fut plus tard appelé le « premier génocide » du XXe (20ème)(vingtième)siècle, des centaines de milliers d'Arméniens chassés de leurs foyers furent soit massacrés, soit conduits vers la mort lors d'un déplacement ethnique. Le nombre d'Arméniens tués en Turquie entre 1915 et 1923 est estimé entre 600 000 (selon les sources officielles turques) et 1 500 000. En outre, durant cette période, des dizaines de milliers d'entre eux ont immigré en Russie, en Iran, au Liban, en Syrie, en France et aux États-Unis d'Amérique. »

تولد سینما

در سال ۱۸۷۸ میلادی، ادوارد مایبریج با حمایت مالی لاند استانفورد که سیاستمدار و مؤسس دانشگاه استنفورد بود موفق به عکسبرداری پشت سر هم از اسبی به نام سالی گاردنر شد. این عکسهای متوالی توسط ۲۴ دوربین پشت سر هم برداشته شد. آزمایش فوق در ۱۱ ژوئن در مزرعه پالو آلتو و با حضور نشریات برگزار شد. دوربین‌ها به موازات حرکت اسب در یک مسیر مستقیم قرارداد شده و شاتر هر دوربین بوسیله سیمی که با سم اسب در ارتباط بود کنترل می‌شد. هر تصویر در یک هزارم ثانیه برداشت می‌شد.

فیلم بعدی که تجربه شد منظره باغ روندهای بود که در ۱۴ اکتبر ۱۸۸۸ میلادی بوسیله لوئیس پرینس در لیدز، ایالت یورکشایر غربی انگلیس ساخته شد؛ لذا انگلیسی‌ها به عنوان اولین کسانی که به تصویر متحرک دست یافته‌اند شناخته می‌شوند.



در ۲۱ ژوئن ۱۸۸۹ میلادی، ویلیام گرین حق امتیازی به شماره ۱۰۱۳۱ برای دوربین کرونوفوتوگرافیک اش گرفت. ظاهراً دوربین او قادر به گرفتن ۱۰ عکس بر روی فیلم سلولولید سوراخ دار بوده‌است. گزارشی از این دوربین در روزنامه عکسی انگلستان در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۸۹۰ میلادی منتشر شد. گرین یک سری تصویر از قضیه را برای توماس ادیسون یعنی کسی که در آزمایشگاهش دستگاهی به نام کینتوسکوپ را ساخته بود ارسال کرد. این گزارش بار دیگر در مجله ساینتیفیک امریکن (Scientific American) در تاریخ ۱۹ آوریل همان سال به انتشار رسید. گرین در سال ۱۸۹۰ مکانی برای نمایش تهیه کرد اما سرعت پایین نمایش عکسها باعث عدم توجه چشم‌گیری به آن شد.

Jane Austen's House Museum enlists the public's help to transcribe her brother's memoir



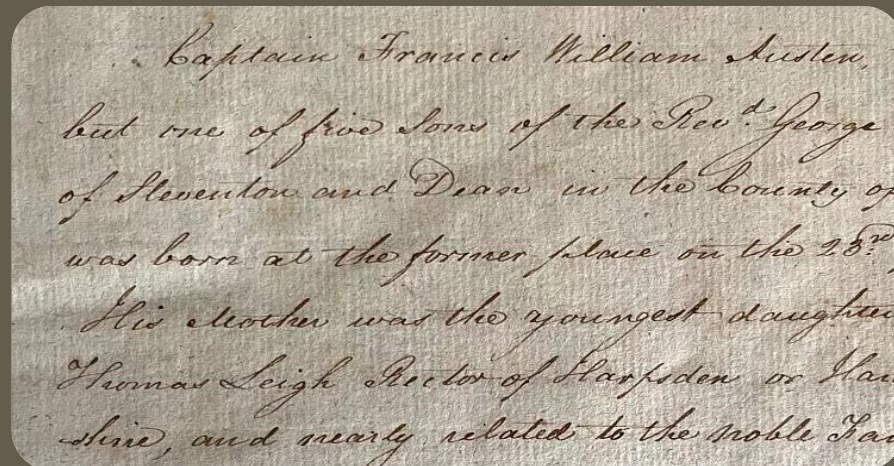
The manuscript consists of 79 pages of handwritten text written in 1863. Though written in third person, Francis is believed to have penned it himself in his late 80s, which would explain why the neat handwriting devolves into chicken scratch in later pages.

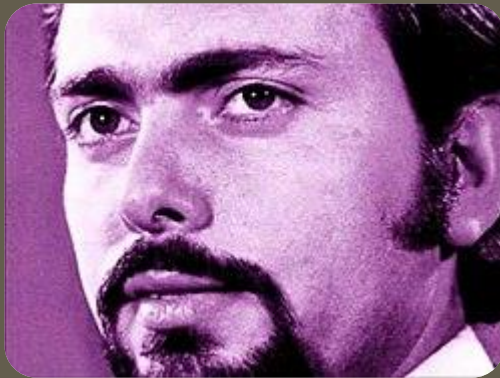
The museum acquired the manuscript at an auction in 2023 from Austen's descendents. The text as a whole remains unpublished although some details are known, as short extracts have been published in various biographies of the Austens.

Since making the call for a crowdsourced transcription, the public has revealed that appetite for Austen is still strong.

“The response has been absolutely incredible,” Lizzie Dunford, Director of the Jane Austen's House Museum, shared with Euronews Culture. “We were contacted by over 2000 people offering their help in the first 24 hours – and for just 79 pages of text.”

“There is clearly a huge public appetite to be involved in working with these documents from our cultural and literary heritage, so this has been fantastic to see.”





موسیقی

Ադիս Հարմանյան (արևմտահայերեն՝ Ադիս Հարմանտեան, հունվարի 14, 1945, Բեյրութ, Լիբանան[1] - սեպտեմբերի 1, 2019, Սանտա Մոնիկա, Լոս Անջելես շրջան, Կալիֆոռնիա, ԱՄՆ[3]), լիբանանահայ երգիչ: Բնակվել է Լոս Անջելեսում:

Հարմանյանը հայ փոփ երգերի միջազգային ռահվիրան է, քանի որ հայկական էստրադային երաժշտությունը սկսվել է Հարմանյանի հիթերով, որոնց խոսքի հեղինակն էր Հասմիկ Մանասերյանը: Առաջինը լույս է տեսել և հանրաճանաչ դարձել «Ծաղիկներ» երգը: Հայտնի երգերից են «Նունե», «Գարուն Գարուն», «Այլ աչեր», «Ախթամար»: Թողարկել է մոտավորապես 30 ալբոմ:

Մահացել է 2019 թվականի սեպտեմբերի 1-ին՝ քաղցկեղի դեմ 15 տարի պայքարելուց հետո:

چرا آهنگسازان ایرانی کمتر به خلق آثار کرال پرداختند؟

دلایل متعددی دارد. اول اینکه فکر میکنم اساساً نوشتن برای کرال الزامی برای آهنگسازان ایرانی ندارد چون جریان آهنگسازی در ایران به طور پیوسته نداشته ایم، دوم اینکه کرال‌های تخصصی نداشته ایم که انگیزه ساختن آثار برجسته در این زمینه را ایجاد کنند، سوم اینکه فرصت تاریخی برای بررسی آثار فولکمان را نداشته ایم تا از طریق دانش، این آثار برای کرال تنظیم شوند. ولی یکی از پاسخ‌های عمده من به این سوال آن است که اصولاً کرال نویسی از آن جهت که در کانتکست موسیقی مذهبی غربی نیستیم جزئیات فرهنگ ما نیست و آهنگسازان ایرانی نیز طبیعتاً به طور پیوسته از این فرهنگ تبعیت نمی‌کنند، ضمن اینکه کره‌های حرفه‌ای و برجسته‌ای هم نداشته ایم که انگیزه مناسب برای ساختن آثار برجسته در این زمینه را ایجاد کنند.

بخشی از کتاب "موسیقی کرال ایران" نوشته دکتر "حمید عسکری رابری"

آریستوکراسی

واژه یونانی هریستوس به معنی بهترین است. در یونان آریستوکراسی حکومت بهترین شهروندان محسوب می شد. بنابراین آریستوکراسی به شکلی از حکومت گفته می شد که در آن به طور نسبی بخش کوچکی از شهروندان (اشراف، روحانیون و ...) در تعیین مقامات عمومی و تدوین سیاست ها نقش داشته باشند.

ارسطو آریستوکراسی را شکل طبیعی (و خوب) حکومت و اولیگارشی را نوع فاسد (و بد) آن توصیف می کرد.



حکایت

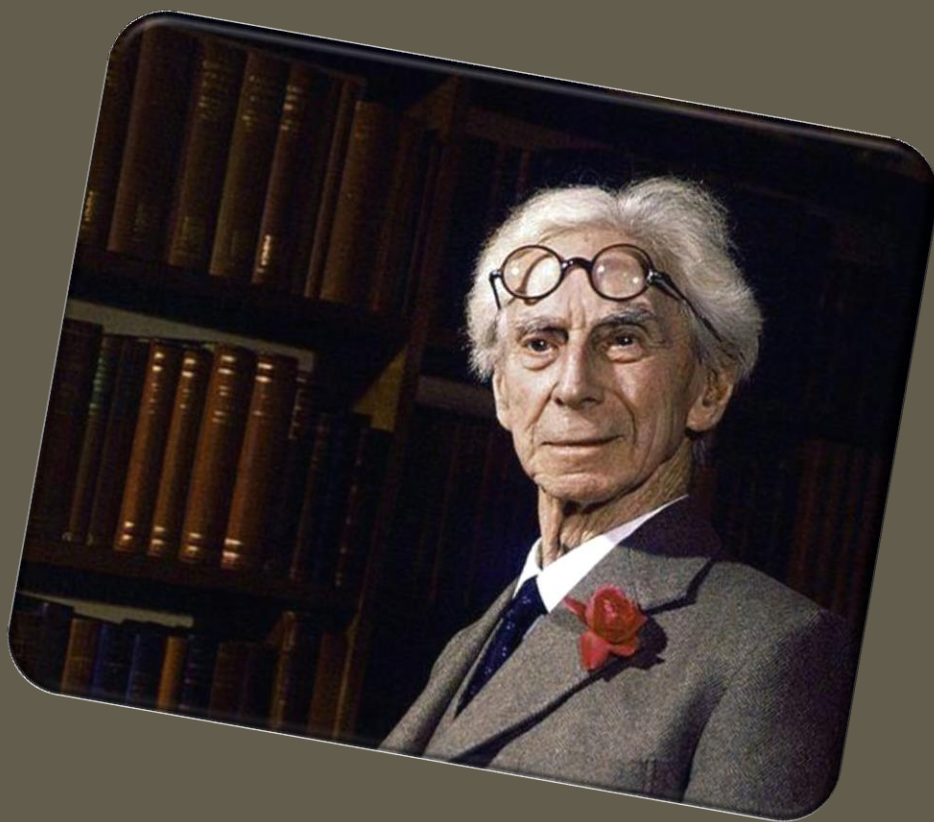
کریم خان و زین دزدی

کریم خان زند گوید: وقتی که در اردوی نادری مردی سپاهی بودم از فقر و احتیاج، زینی طلاکوب را از مرد زین سازی دزدیدم که متعلق یکی از امرای افغان بود، روز دیگر شنیدم که زین ساز بیچاره در زندان نادری است و حکم شده که روز دیگر اگر زین را ندهد او را به دار بیاویزند. دل من از این خبر خیلی سوخت، زین را بردم و بجائی که برداشته بودم گذاشتم و صبر کردم تا زن زین ساز رسید.

چون زن آن زین را بدید نعره ای کشید و از فرط سرور بر زمین افتاد و دعا نمود و گفت: خداوند به کسی که این زین را واپس آورده آنقدر عمر دهد که صد زین مرصع طلاکوب بنخود ببندد. من یقین دارم که از دعای آن زن به این دولت رسیدم.

انسان متمدن خردمند حاضر است رنج حال را به خاطر
لذت آینده تحمل کند، هر چند که این لذت مربوط به
آینده‌ی نسبتاً دور باشد.

از کتاب #تاریخ_فلسفه_غرب
#برتراند_راسل
ترجمه: #نجف_دریابندری



بهداشت دهان و دندان



عفونت لثه (Gum infection) چیست؟

عفونت لثه عفونت خطرناکی در دهان است که علاوه بر عفونت، باعث التهاب لثه‌ها و فک می‌شود. اگر شما دچار عفونت شده‌اید، مهم است که زود آن را درمان کنید. درمورد عفونت لثه موضوع فقط دردناک بودن آن نیست، بلکه ممکن است مسئله مهم‌تری مانند یک بیماری دندانی پیشرفته در میان باشد؛ در غیر این صورت، مشکل، التهاب لثه هاست. محل عفونت لثه در دهان شما، درست زیر لثه، یعنی همان درز وی شکلی که بین لثه و دندان‌ها قرار دارد (شیار)، می‌باشد.

این موضوع اتصال دندان‌ها به لثه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث فشار در ریشه دندان می‌شود و بافت لثه را در معرض خراب شدن قرار می‌دهد. وقتی بافت آسیب ببیند، شکاف دندان در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند باکتری را وارد خود کند و این موجب عفونت لثه می‌شود. از آنجا که لثه‌ها از دندان‌ها حمایت اساسی می‌کنند، این موضوع، حیاتی است که آن‌ها را در شرایط سالم و خوبی نگه داریم.

Public Libraries Magazine

The official journal of the Public Library Association (PLA) and the only ALA journal devoted exclusively to public libraries.

Public librarians, library staff, and trustees are challenged to keep up with the ever-changing needs of their communities and patrons. Staying informed is a necessity if you are to contribute to the success of your library.

In Print

Public Libraries, published six times a year, is the official journal of the Public Library Association (PLA) and the only ALA journal devoted exclusively to public libraries. Each issue includes important industry news, PLA and ALA updates, and columns and feature articles that offer strategies and ideas that can make a difference in your career.

As a PLA member you receive a free subscription to this valuable resource (a \$65 value). Subscriptions are also available for non-members.

Issues dating back to 2015 are available to current PLA personal members in PDF and digital flipbook (beginning with May/June 2020 issue) formats in the PLA Member Library (login required*).

Since 2020, the May/June and July/August issues of Public Libraries magazine are delivered digitally. You can access the issues via the PLA Member Library (members only) or go here and enter the password that was emailed to you. If you have any questions about the digital issues, email editor Kathleen Hughes, khughes@ala.org, or pla@ala.org.

Indexes of past issues dating back to 1994 are also available.

Want to share your unique knowledge or experiences? Write for Public Libraries! All submissions are also eligible for our Feature Article Contest.

Meet the editors who bring each issue of Public Libraries to you.

Online

Public Libraries Online

At Public Libraries Online, the online counterpart to Public Libraries magazine, we strive to deliver valuable and actionable content that empowers professionals in the field. We cover a wide range of topics, including emerging trends, innovative practices, community engagement, books and authors, technology advancements, and more. Our goal is to equip public librarians with the knowledge and resources they need to thrive in an ever-changing information landscape. With a focus on immediacy, we provide up-to-date articles that shed light on current hot topics and critical issues affecting public libraries. Our platform facilitates engagement and interaction, allowing readers to join the conversation through comments and social media sharing.

Become a contributor: We are always seeking new contributors to add their voices to the site. We invite you to become a part of PL's dynamic, high-profile team of writers. If you are interested in contributing to the site, the expectation is that you will produce at least one 800–1200 word, library-related blog post per month. These are volunteer positions. If you are interested in participating contact us at publiclibrariesonline@gmail.com. Be sure to include a bit about your library and writing background and topics that you might be interested in writing about, as well as a writing sample. We are looking for a diverse group of contributors, so don't be shy! Our site targets the public library world, so we ask that contributors are in (or retired from) that field.

FYI: The Public Libraries Podcast

Looking for a convenient way to stay updated on the latest public library trends, initiatives, and news? Dive into FYI: The Public Libraries Podcast! Explore over 75 episodes covering the nuts and bolts of exceptional library programs. Perfect for your daily commute, each episode averages around 20 minutes, delivering a wealth of valuable information without demanding too much of your time. Plus, new episodes are released monthly, ensuring there's always fresh content to enjoy. Discover our complete list of episodes and start listening today!

مصاحبه

“فکر می کنید که آیندگان و اعقاب شما، به عدالت درباره‌ی شما قضاوت خواهند کرد؟” سلین: “خدای من! نه! هرگز متقاعد نیستم که اینطوری خواهد شد. نه! ممکن است در آینده کسی که می خواهد کارهای مرا ارزیابی و ارزشگذاری کند، اصلاً فرانسوی نباشد. یک نفر چینی یا یک آدم بیگانه دیگری باشد. که بنشیند و صورتی از قضایا و کارهای من به دست بدهد و بعد هم قضاوتی بکند در مورد من. چه بسا از این ادبیات دست پخت بنده یا از این سبک و سیاق عوضی من در نوشتن و در نثر، و یا از سه نقطه‌ای که مرتب توی نوشته‌ها هست بند کند به همین! خیلی بعید نیست. من دیگه کاری را کرده‌ام. داریم راجع به “ادبیات” حرف می‌زنیم. هان؟ بله در این زمینه، من کار خودم را کرده‌ام. دیگه آخر خط ام. بعد از داستان “مرگ قسطی” همه حرفهایم را زده‌ام – که چندان هم حرف زیادی نیست!”

“از زندگی متنفرید؟”

سلین: “خوب، راستش نمیتونم بگم از زندگی لذت می‌برم. نه! در واقع دارم تحملش می‌کنم. چرا که هنوز زنده‌ام و نفس می‌کشم، و مسئولیتهایی هم دارم. از همه‌ی اینها به کنار، من کمی بیش از حد بدبینم. قاعدتا باید به چیزی امیدوار باشیم. اما من هیچ امیدی به هیچ چیزی ندارم. البته یک آرزو دارم: دلم می‌خواهد هرچه راحت‌تر و بی‌دردتر بمیرم – مثل هر آدم دیگری. همین و بس. نیز دلم می‌خواهد هیچکس به خاطر من به علت وجود من، توی دردسر و توی رنج نیفتد. بله، مردن در آرامش. هان؟ اگر ممکن شود، از یک مرض عفونی واگیر مردن، یا سر به نیست کردن خود! این کار هنوز خیلی ساده است. اون‌ی که در راه است و بعدا پیش می‌آید، عینا همون چیزی است که خواهد شد – گرچه بزرگتر و وسیع‌تر. آنچه بعدا می‌آید، چیزی نیست جز همان که الان در راه است! الان من خیلی خیلی دردناک‌تر و پرزحمت‌تر از یک سال قبل کار می‌کنم. سال بعد هم از امسال دشوارتر خواهد بود. موضوع اینه!”

جانر تاسلامان ((Caner Taslaman)، نویسنده‌ی کتاب کوانتوم، فلسفه و خدا ((The Quantum Theory, Philosophy and God)، پژوهشگر دانشگاه ییلدیزتکنیک است که به مطالعات بینارشته‌ای در حوزه‌ی ارتباط علوم مدرن با فلسفه‌ی دین علاقه‌ی فراوان دارد. تاسلامان در دانشگاه‌های معتبر دنیا از جمله هاروارد و کمبریج به مطالعات پژوهشی، خصوصاً پژوهش‌های پسادکتری‌اش همت گمارده و آثاری با موضوع رابطه‌ی علم و دین منتشر کرده است که کتاب حاضر یکی از آنهاست.

نظریه‌ی کوانتوم یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تئوری‌های تاریخ علم است که با ظهور و بسط خود، سلطه‌ی فیزیک نیوتنی را به چالش کشید و نظرگاهی دیگر به سمت دنیای فیزیک گشود. در دوره‌ی سلطه‌ی فیزیک نیوتنی، جهان به نحوی موجییت‌گرایانه و رئالیستی درک می‌شد. دنیا مانند سیستمی بسته تصور می‌شد که قوانینی لایتغیر بر آن حاکم است و این قوانین تا پایان دنیا ادامه خواهند داشت. این نوع از تفکر در ارتباط با فلسفه‌ی دین، خدا را مانند ساعت‌سازی تصور می‌کرد که جهان را آفریده و با اعمال قوانین ثابت بر آن، دیگر دخالتی در آن نمی‌کند. در این رویکرد فیزیکی، شیوه‌ی دخالت خداوند در جهان مبهم بود یا به عبارتی اصلاً فضایی برای دخالت خدا در جهان باقی نمانده بود. با ظهور نظریه‌ی کوانتوم و سست شدن پایه‌های فیزیک نیوتنی یعنی موجییت‌گرایی، تقلیل‌گرایی و درک رئالیستی از جهان، تحولی عظیم در فضای علمی به وجود آمد. طرح مسئله‌ی عدم قطعیت، بنیان‌های فلسفی رایج در جهان را تغییر داد و بر اساس مشاهدات عینی، علم را برای توجیه مسائلی که باورشان برای عقل موجییت‌گرا ناممکن بود، ممکن ساخت.

کوانتوم، فلسفه و خدا

جانر تاسلامان

مترجم:

شیما حاجی حسینی



QUANTUM TEORISI
FELSEFE VE TANRI
CANER TASLAMAN
| چاپ دوم |

اسلام

مجموعه‌ی مقالات
میان رشته‌ای

برای اولین بار در کشور

"There is only one thing a philosopher can be relied upon to do, and that is to contradict other philosophers" - William James

Invecchiando non diventiamo né migliori né peggiori, ma più simili a noi stessi.
(Bernard Baruch)

Кто не знает в какую гавань он плывет, для того нет попутного ветра. - Сенека.

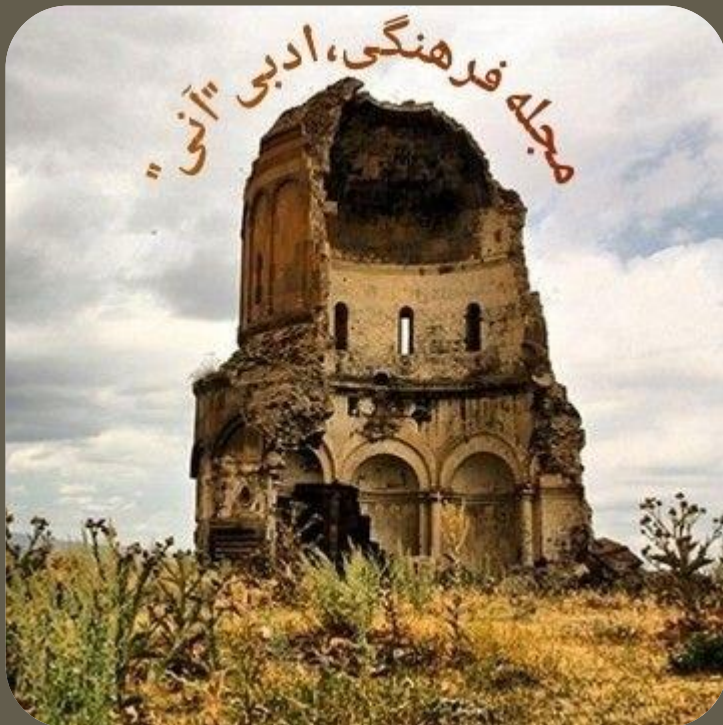


برای ارسال آثار خود جهت انتشار در مجله ادبی آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر تماس حاصل فرمایید:

09223789180



هر چهارشنبه منتظر حضور شما در شبکه های اجتماعی و سایت رسمی مجله هستیم.



Instagram: @anita_arzoomanian
t.me/ani_letters
www.ani_letters.com

A stylized, white, calligraphic signature or logo consisting of several overlapping loops and lines. Below it, the Persian text "آنی آرزومانیان" is written in a similar calligraphic style.

آنی آرزومانیان